



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۰۴	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۱۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس پیشین

بحث ما در فرض تخالف خبر-ی که لزوم عمل به آن از علم اجمالی ثابت شده- و اصل عملی بود و به صورت دوم آن، یعنی خبر ترخیصی در مقابل اصل الزامی، رسیدیم. عمده بحث گذشته پیرامون اصل الزامی استصحاب بود و نسبت آن با خبر ترخیصی بررسی گردید و مثال دخول حائض بعد انقطاع دم به مسجد را بیان کردیم که بر اساس استصحاب، حکم آن حرمت است و فرض کردیم که خبر ترخیصی دال بر جوار وجود دارد. این بحث به پایان رسید. بحث امروز، در جایی است که اصل الزامی مورد بحث، اصالة الاشتغال باشد.

تخالف خبر ترخیصی و اصل الزامی اشتغال

اکنون فرض تخالف خبر ترخیصی با اصل الزامی را در موردی بررسی کنیم که اصل الزامی، اصالة الاشتغال باشد. مثالی که برای تقریب به ذهن می توان در اینجا بیان کرد، مثال معروف علم اجمالی به وجوب یکی از دو نماز ظهر یا جمعه در روز جمعه است. این علم اجمالی، مجرای اصالة الاشتغال است و مقتضای آن، احتیاط و خواندن هر دو نماز (ظهر و جمعه) برای تحصیل فراغ یقینی است. پس در اینجا، اصل الزامی همان اصالة الاشتغال است. حال فرض می کنیم خبر واحدی وارد شده که دلالت بر عدم وجوب نماز جمعه در روز جمعه دارد. این خبر، یک خبر ترخیصی است که با مقتضای اصالة الاشتغال (لزوم خواندن نماز جمعه به عنوان بخشی از احتیاط) در تعارض است.

در تحلیل اولیه می توان گفت: علم اجمالی [منجر به اشتغال] بر این خبر ترخیصی مقدم است؛ زیرا حجیت این خبر ترخیصی- بنا بر فرض بحث ما که حجیت خبر از علم اجمالی ناشی می شود- مستند به علم اجمالی در دایره ترخیصات است که پیش تر گفتیم منجز نیست. در مقابل، علم اجمالی دیگری به الزام وجود دارد که وجوب یکی از دو نماز ظهر یا جمعه است. این علم اجمالی منجز است. علم اجمالی منجز به الزام، بر علم اجمالی غیرمنجز به ترخیصات غلبه می کند.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] توجه به این نکته لازم است که فرض بحث ما همچنان این است که این خبر ترخیصی، دلیل حجیت مستقلی ندارد و اعتبار احتمالی آن، صرفاً ناشی از علم اجمالی به وجود ترخیصات صادق در میان مجموعه اخبار است؛ علمی که پیش تر ثابت شد منجز نیست.

بنابراین طبق قاعده اولیه، در اینجا نیز باید گفت: علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه، منجز است و اصاله الاشتغال ناشی از آن، یک اصل الزامی معتبر است و خبر ترخیصی دال بر عدم وجوب جمعه، مستند به علم اجمالی غیرمنجز ترخیصات است و توان معارضه با اصل الزامی منجز را ندارد. در چنین موردی اگر مکلف احتیاط نکند و هر دو نماز را نخواند، یا حتی یکی را - مثلاً نماز جمعه را به استناد خبر ترخیصی - ترک کند و بعداً معلوم شود که همان نماز ترک شده واجب بوده است، استحقاق عقاب دارد. مولی می تواند بگوید: تو که علم اجمالی منجز به وجوب یکی از این دو داشتی، چرا احتیاط نکردی و تکلیف واصل مرا مخالفت نمودی؟ استناد به خبر ترخیصی غیرمنجز، عذر محسوب نمی شود. اما از آن طرف اگر مکلف به خبر ترخیصی - که از علم اجمالی اعتبار گرفته - عمل نکند و جانب الزام را بگیرد - مثلاً هر دو نماز را بخواند، استحقاق عقاب ندارد که چرا به آن خبر ترخیصی عمل نکرده است. مخالفت با ترخیص، عقاب آور نیست؛ این است معنای اینکه گفته می شود علم اجمالی در ترخیص، منجز نیست.

خلاصه اینکه طبق تحلیل اولیه، اصل الزامی (اصالة الاشتغال) بر خبر ترخیصی غیرمنجز مقدم است و نتیجه، لزوم احتیاط (خواندن هر دو نماز) می باشد.

اشکال بر جریان اصل اشتغال

در اینجا اشکالی مطرح می شود که شبیه به اشکال محقق عراقی رحمته الله علیه در جریان استصحاب مقابل برائت در فرضی که خبر ترخیصی دال بر برائت است. در بحث قبل گفته شد که مقتضای قاعده، عمل به استصحاب الزام است؛ اما آقا ضیاء رحمته الله علیه، اشکالی مطرح کردند مبنی بر اینکه عمل به استصحاب در این مورد، تمسک به عام در شبهه مصداقیه است که مورد بحث قرار گرفت. استاد شهید صدر رحمته الله علیه می فرمایند همانطوری که در آن فرض بر جریان استصحاب اشکال گرفته شد، در اینجا نیز می توان اشکالی در مطرح کرد و گفت اصاله الاشتغال در اینجا جاری نمی شود. توضیح مطلب:

در اینجا یک احتمال وجوب نماز ظهر وجود دارد و یک احتمال وجوب نماز جمعه که با توجه به علم اجمالی به وجوب یکی از آنها، مقتضای اصاله الاشتغال این است که باید به هر دو عمل شود. از طرف دیگر، یک خبر ترخیصی وجود دارد مبنی بر اینکه نماز جمعه واجب نیست و می توان به نماز ظهر اکتفا کرد. این فرض بحث است.

در اطراف علم اجمالی نمی توان اصاله البرائة جاری کرد به این دلیل که جریان آن در هر یک از اطراف، با جریان آن در طرف دیگر تعارض می کند؛ یعنی ما هم در وجوب ظهر به تنهایی شک داریم و هم در وجوب جمعه به تنهایی شک داریم؛ بدین معنا که موضوع اصل برائت در هر دو وجود دارد؛ اما چون علم اجمالی به وجوب یکی از آن دو داریم، به همین دلیل جریان اصل برائت در هر دو طرف، منجر به مخالفت قطعی با علم اجمالی می شود. خلاصه اینکه در هر دو طرف، اصاله البرائة وجود دارد که به دلیل علم اجمالی، نمی توان آن را در تمام موارد جاری کرد و جریان در هر طرف، با جریان در طرف دیگر تعارض دارد.

حال، خبر ترخیصی وارد شده و می‌گوید: «نماز جمعه واجب نیست». این خبر، بر اصالة البرائة ای که مجرای آن شک در وجوب نماز جمعه بود، حاکم می‌شود^۱ و در نتیجه اصل برائت در این مورد، ساقط می‌شود. در این صورت هنگامی که این اصالة البرائة در مورد نماز جمعه جاری نشد، اصل برائت در طرف دیگر (نماز ظهر) بدون معارض باقی خواهد ماند و دیگر بر اصالة الاشتغال، غلبه خواهد کرد.

این اشکالی است که ان شاء الله در جلسه آینده به پاسخ آن می‌پردازیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. البته در اینجا اختلاف وجود دارد که آیا اماره مطابق با اصل نیز بر اصل حاکم می‌شود یا خیر؟ این استدلال بر این مبناست که تنها اماره مخالف با اصل، بر آن حاکم نمی‌شود؛ بلکه اماره مطابق با اصل نیز بر اصل حاکم می‌شود.